



نقد کارشناسی؛ کمک یا تداوم مشکل؟

روایت‌های تکان‌دهنده از زندگی در حاشیه

خانم الف، ۵۴ ساله، یکی از افرادی است که سال‌هاست در برخی معابر شهر دیده می‌شود. او پس از فوت همسرش مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی خانواده را بر عهده گرفته است. می‌گوید: «دو فرزند دارم. یکی بیکار است و دیگری درآمد ثابتی ندارد. بعضی روزها از صبح تا عصر کنار خیابان می‌ایستم تا بتوانم هزینه نان و اجاره خانه را فراهم کنم.»

آقای ب، ۷۲ ساله، با بیماری دیابت و آرتروز زندگی می‌کند. او می‌گوید: «هزینه داروهای خیلی زیاد است. گاهی مردم کمک می‌کنند، بعضی‌ها آب یا غذا می‌دهند. اما مهم‌ترین خواسته من داشتن بیمه درمانی است تا بتوانم بیماری‌ام را کنترل کنم.»

جوانی ۲۳ ساله نیز از شرایط دشوار زندگی خود می‌گوید. او که به دلیل بیکاری و افزایش هزینه‌های مسکن قادر به اجاره خانه نیست، روزها را در کنار خیابان و شب‌ها را در پارک‌ها سپری می‌کند. او می‌گوید: «من کار می‌خواهم، نه صدقه. اگر فرصت شغلی مناسبی پیدا کنم، هرگز به خیابان برنمی‌گردم.»

کارشناسان اجتماعی معتقدند افزایش تعداد متکدیان در هر جامعه‌ای، زنگ خطری برای سیاست‌گذاران اجتماعی است. وجود افراد نیازمند در خیابان‌ها نشان می‌دهد که بخشی از جامعه از دسترسی مناسب به اشتغال، مسکن، خدمات درمانی و حمایت‌های اجتماعی محروم مانده است.

تحلیلگران بر این باورند که کمک‌های نقدی خیابانی اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت بخشی از مشکلات فرد را کاهش دهد، اما راه‌حلی پایدار نیست. در برخی موارد این کمک‌ها باعث شکل‌گیری چرخه وابستگی می‌شود و فرد را از تلاش برای یافتن مسیرهای پایدار درآمدی دور می‌کند.

یک جامعه‌شناس دانشگاهی در سیرجان می‌گوید: «اگر هدف ما کاهش فقر است، باید به جای تمرکز صرف بر کمک‌های مقطعی، به سمت ایجاد فرصت‌های شغلی، آموزش‌های مهارتی و حمایت از کسب‌وکارهای خرد حرکت کنیم. فردی که درآمد پایدار داشته باشد، دیگر نیازی به حضور در خیابان نخواهد داشت.»